

## مقدمه ای بر جشن نوروز و آداب و رسوم نوروزی در کرمانشاه فروزان یعقوبی

انسان از نخستین سالهای زندگی اجتماعی، زمانی که از راه شکار و گردآوری خوراک های گیاهی روزگار می گذراند، متوجه بازگشت و تکرار برخی از رویدادهای طبیعی، یعنی تکرار فصول شد. زمان یخبندانها، موسم شکوفه ها، هنگام جفت گیری پرندگان و چرنده گان را از یکدیگر جدا کرد. نیاز به محاسبه در دوران کشاورزی، یعنی نیاز به دانستن زمان کاشت و برداشت و فصل بندی ها و تقویم دهقانی و زراعی را بوجود آورد. نخستین محاسبه فصل ها، بی گمان در همه جامعه ها، با گردش ماه که تغییر آن آسانتر دیده می شد، صورت گرفت. و بالاخره نارسایی ها و ناهماهنگی هایی که تقویم قمری، با تقویم دهقانی داشت، محاسبه و تنظیم تقویم بر اساس گردش خورشید صورت پذیرفت. سال در نزد ایرانیان همواره دارای فصل نبوده، زمانی شامل دو فصل: زمستان ده ماهه و تابستان دو ماهه بوده، و زمانی دیگر تابستان هفت ماه (از فروردین تا آبان) و زمستان پنج ماه (از آبان تا فروردین) بوده، و سر انجام از زمانی نسبتاً کهن به چهار فصل سه ماهه تقسیم گردیده است. گذشته از ایران: " سال و ماه سغدی ها و خوارزمی ها، سیستان ها در شرق و کاپادوکی ها و ارمنی ها در مغرب ایران، بدون کم و زیاد همان سال و ماه ایرانی است."

### آغاز سال

مردم شناسان را عقیده بر این است که محاسبه آغازسال، در میان قوم ها و گروه های کهن، از دوران کشاورزی، همرا با مرحله ای از کشت یا برداشت بوده و بدین جهت است که آغاز سال نو در بیشتر کشورها و آیین ها در نخستین روزهای پاییز، یا زمستان و یا بهار می باشد. آغاز سال نو ایرانیان هرچند زمانی دستخوش تغییر گردید ولی حمزه اصفهانی در کتاب سنی الملوک الارض و الانبیا و ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه گویند که آغاز سال ایرانی، از زمان خلقت انسان ( یعنی ابتدای هزاره هفتم از تاریخ عالم ) روز هرمز از ماه فروردین بود. وقتی که آفتاب در نصف النهار، در نقطه اعتدال ربیعی بود و طالع سرطان بود.

### پیدایش جشن نوروز

در ادبیات فارسی جشن نوروز را، مانند بسیاری دیگر از آیین ها رسم ها، فرهنگ ها و تمدن ها به نخستین پادشاهان نسبت داده می شود. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری، چون فردوسی، منوچهری، عنصری، بیرونی، طبری، مسعودی، مسکویه، گردیزی و بسیاری دیگر که منبع تاریخی و اسطوره ای آنان بی گمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز و برگزاری جشن نوروز را از زمان پادشاهی جمسید می دانند، که تنها به چند نمونه و مورد اشاره می شود:

جهان انجمن شد بر تخت اوی      از آن برشده فره بخت اوی

به جمشید برگوهر افشانند      مرآن روزرا روزنو خواندند

سر سال نو هرمز فرودین      برآسوده از رنج تن دل زکین

محمد بن جریر طبری نوروز را سرآغاز دادگری جمشید دانسته:

جمشید علما را فرمود که آن روز که من بنشستم به مظالم، شما نزد من بیایید تا هرچه در او داد و عدل باشد بنمایید تا من آن کنم. و آن روز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فروردین. پس آن روز رسم کردند. ابوریحان بیرونی پرواز کردن جمشید را آغاز جشن نوروز می داند: چون جمشید برای خود گردونه بساخت، در این روز برآن سوار شد، و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر به شگفت شدند و این روز را عید گرفته و برای یادبود آن روز تاب می نشینند و تاب می خورند. به نوشته گردیزی، جمشید جشن نوروز را به شکرانه اینکه خداوند "گرما و سرما و بیماری و مرگ را از مردمان گرفت و سیصد سال بر این جمله بود" برگزار کرد و هم در این روز بود که "جمشید بر گوساله ای نشست و به سوی جنوب رفت به حرب دیوان و سیاهان و با ایشان حرب کرد و همه را مقهور کرد." و سرانجام خیام می نویسد که جمشید به مناسبت بازآمدن خورشید به برج حمل، نوروز را جشن گرفت: سبب نهادن نوروز آن بوده است که آفتاب را دو دور بود، یکی آنکه هر سیصد و شصت و پنج شبان روز به اول دقیقه حمل بازآمد و به همان روز که رفته بود بدین دقیقه نتواند از آمدن، چه هر سال از مدت همی کم شود، و چون جمشید، آن روز دریافت (آن را) نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند.

در خور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می شده و ابوریحان نیز، با آنکه جشن را به جمشید منسوب می کند، یادآور می شود که، "آن روز را که روز تازه ای بود جمشید عید گرفت، اگرچه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود." گذشته از ایران، در آسیای صغیر و یونان، برگزاری جشنها و آیین هایی را در آغاز بهار سراغ داریم. در منطقه لیدی و فری زی، براساس اسطوره های کهن، به افتخار سی بل، الهه باروری و معروف به مادر خدایان، و الهه آتیس جشنی در هنگام رسیدن خورشید به برج حمل و هنگام اعتدال بهاری، برگزار می شد. مورخان از برگزاری آن در زمان آگوست شاه در تمامی سرزمین فری زی و یونان و لیدی و آناتولی خبر می دهند. به ویژه از جشن و شادی بزرگ در سه روز ۲۵ مارس تا ۲۸ مارس (۴ تا ۷ فروردین)

صدرالدین عینی درباره برگزاری جشن نوروز در تاجیکستان و بخارا (ازبکستان) می نویسد: ... به سبب اول بهار، در وقت به حرکت درآمدن تمام رستنی ها، راست آمدن این عید، طبیعت انسان هم به حرکت می آید. از اینجاست که تاجیکان می گویند: "حمل همه چیز در عمل." در حقیقت این عید به حرکت آمدن کشت های غله، دانه و سرشدن (آغاز) کشت و کارو دیگر حاصلات زمینی است که انسان را سیر کرده و سبب بقای حیات او می شود. وی در جای دیگری می گوید: در بخارا "نوروز" را که عید ملی عموم فارسی زبانان است، را بسیار حرمت می کردند. حتی ملای دینی به این عید که پیش از اسلامیت، عادت ملی بوده، بعد از مسلمان شدن هم مردم این عید را ترک نکرده بودند، رنگ دینی اسلامی داده، از وی فایده می بردند. از آیات قرآن هفت سلام نوشته به نام "غولونگ آب" که خوردن وی در نوروز از عادت های ملی بیشتر بوده، تر کرده و می خوردند. ولی برگزاری شکوهمند و باورمند و همگانی این جشن در دستگاههای حکومتی و سازمانهای دولتی و غیر دولتی و در بین همه قشرها و گروههای اجتماعی، بی گمان، از ویژگیهای ایران زمین است، که باوجود جنگ ها و ستیزها، شکستها و دگرگونی های سیاسی، اجتماعی، اعتقادی، علمی و فنی، از روزگاران کهن پابرجا مانده و افزون بر آن به جامعه و فرهنگهای دیگر نیز راه یافته است، و در مقام مقایسه، امروز جامعه و کشوری را با جشن و آیین چند روزه ای، که چنین همگانی و مورد احترام و باور خاص و عام، فقیر و غنی، کوچک و بزرگ و بالاخره شهری و روستایی و عشایری باشد سراغ نداریم.

## روزها یا ماه جشن نوروز

مدت برگزاری جشن هایی چون مهرگان، یلدا، سده و بسیاری دیگر، معمولاً یک روز (یا یک شب) بیشتر نیست. ولی جشن نوروز، که درباره اش اصطلاح "جشن ها و آیین های نوروزی" گویاتر است، دست کم یک یا دو هفته ادامه دارد. ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروز را، پس از جمشید یک ماه می نویسد: چون جم درگذشت، پادشاهان همه روزهای این ماه را عید گرفتند. عیدها را شش بخش نمودند: ۵ روز نخست را به پادشاهان اختصاص دادند، ۵ روز دوم را به اشراف، ۵ روز سوم را به خادمان و کارکنان پادشاهی، ۵ روز چهارم را به ندیمان و درباریان، ۵ روز پنجم را به توده مردم و پنجه ششم را به برزیگران. کمپفر در سفرنامه خود آورده که، در زمان شاه سلیمان صفوی، مهمانی ها، تفریح و جشنهای نوروز در میدان های عمومی تا سه هفته طول می کشید. "دروویل" مدت تعطیلی جشن نوروز را در "چهارشنبه آخر سال" آغاز و در "سیزده بدر" پایان می پذیرد.

## خانه تکانی

اصطلاح "خانه تکانی" را بیشتر در مورد شستن، تمیز کردن، نوخریدن، تعمیرکردن ابزارها، فرش ها، لباس ها، به مناسبت فرارسیدن نوروز، به کار می برند. در این خانه تکانی، که سه تا چهار هفته طول می کشد، بایستی تمامی ابزارها و وسیله هایی که در خانه است، جابه جا، تمیز، تعمیر و معاینه شده و دوباره به جای خود قرار می گیرد. برخی از ابزارهای سنگین وزن، با فرشها، تابلوها، پرده ها و وسیله های دیگر، فقط سالی یک بار، آن هم در خانه تکانی نوروزی، جابه جا و تمیز می شود. در برخی شهرهای آذربایجان نخستین چهارشنبه ماه اسفند (چهارشنبه موله) به شستن و تمیز کردن فرش های خانه اختصاص دارد.

## کاشتن سبزه

اسفند ماه، ماه پایانی زمستان، هنگام کاشتن دانه و غله است. کاشتن "سبزه عید" به صورت نمادین و شگون، از روزگاران کهن، در همه خانه ها و در بین همه خانواده ها مرسوم است. در ایران کهن، "بیست و پنج روز پیش از نوروز، در میدان شهر، دوازده ستون از خشت خام برپا می شد، برستونی گندم، برستونی جو، و به ترتیب، برنج، باقلا، کاجیله (گیاهی از تیره مرکبان که ساقه آن ۵۰ سانتی متر است)، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد، عدس و ماش می کاشتند، و در ششمین روز فروردین، با سرود و ترنم و شادی، این سبزه ها را می کنند و برای فرخندگی به هر سو می پراکنند." و ابوریحان نقل می کند که: "این رسم در ایرانیان پایدار ماند که روز نوروز در کنار خانه هفت صنف از غلات در هفت اسطوانه بکارند و از رویدن این غلات، خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه را حدس بزنند."

امروز در همه خانه ها رسم است که ده روز یا دو هفته پیش از نوروز، در ظرفهای کوچک و بزرگ، کاسه، بشقاب، پشت کوزه و... دانه هایی چون گندم، عدس، ماش و... می کارند. موقع سال تحویل و روی سفره "هفت سین" بایستی سبزه بگذارند. در برخی از شهرهای آذربایجان، سومین چهارشنبه به خیس کردن و کاشتن گندم و عدس برای سبزه های نوروزی اختصاص دارد. این سبزه ها را خانواده ها تا روز سیزده نگه داشته، و در زمانی که برای "سیزده بدر" از خانه بیرون می روند، در آب روان می اندازند.

## سفره هفت سین

رسم و باوری کهن است که همه اعضای خانواده در موقع تحویل سال (لحظه ورود خورشید به برج حمل) در خانه و کاشانه خود در کنار سفره هفت سین گرد آیند. در سفره سفید رنگ هفت سین، از جمله، هفت رویدنی خوراکی

است که با حرف سین آغاز می شود، و نماد و شگونی بر فراوانی رویدنی ها و فراورده های کشاورزی است" چون سیب، سبزه، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سمنو و مانند این ها می گذارند. افزون بر آن آینه، شمع، ظرفی شیر، ظرفی آب که نارنج در آن است، تخم مرغ رنگ کرده، تخم مرغی روی آینه، ماهی قرمز، نان، سبزی، گلاب، گل، سنبل، سکه و کتاب دینی ( مسلمانان قرآن و زردشتیان اوستا و...) نیز زینت بخش سفره هفت سین است. این سفره در بیشتر خانه ها تا روز سیزده گسترده است.

در برخی از نوشته ها از سفره هفت سین ( هفت رویدنی که با حرف سین آغاز می شود ) سخن رفته و آن را رسمی کهن تر دانسته اند. در ریشه یابی واژه هفت سین نظرهای دیگری چون هفت چین ( هفت رویدنی از کشتزار چیده شده ) و هفت سینی از فراورده های کشاورزی نیز بیان شده است. پراکندگی نظرها ممکن است به این سبب باشد که در کتاب های تاریخی و ادبی کهن اشاره ای به هفت سین نشده و از دوره قاجاریه است که درباره رفتارها و باورها و رسم های عامیانه مردم تحقیق و بحث و اظهار نظر آغاز شده است. نمی دانیم که آیا پیش از قالی هم شاعری هفت سین را در شعر خود آورده است؟

سین ساغر بس بود مارا در این نوروز روز گو نباشد هفت سین زندان درد آشام را

میرزاده عشقی نیز در " نوروزی نامه " در اسلامبول در مسمطی برای آگاهی مردم آن دیار سروده :

همه ایرانیان نوروز را از یادبود کی

بپا سازند از مازندران تا شوش و ملک ری

بساط هفت سین چینند و بنشینند دور وی

### خوراک های نوروزی

در کتاب ها و سندهای تاریخی و ادبی کهن ، به ندرت از خوراکی هایی که ویژه جشن نوروز ( یا جشن های دیگر ) باشد سخن رفته است. نویسندگان و مورخان بحث از " خوردنی " ها را شاید، پیش پا افتاده، نازیبا و یا بدیهی می دانستند. در کتابهای قرن چهارم به بعد، شرح و وصف های دقیق به شعر و نثر، درباره نوروز و مهرگان و جشن ها و آیین های دیگر کم نیست. ولی از نوع و ویژگی خوراک های جشن ها، نه در دستگاه پادشاهان و امیران و نه در خانه های عامه مردم سخنی نرفته است.

در مقاله ها و پژوهش هایی که در این هفتاد و پنج ساله اخیر درباره نوروز نوشته شده، افزون بر خوردنی های سفره هفت سین، گاه از غذاهای ویژه شب پیش از نوروز، و شب اول سال ، در خانواده های سنتی شهرها و منطقه های مختلف یاد شده است. خوراکی هایی که با ویژگی های اقلیمی و نوع فرآورده های هر منطقه هماهنگی داشت، و در عین حال بهترین و کمیابترین غذای منطقه بود، و همه قشرهای اجتماعی - فقیران- نیز می کوشند که در این روزها ، برای فراهم آوردن غذای بهتر، گشاده دستی کنند و به گفته ابوریحان" این عیدها یکی از اسبابی است که تنگی روزی فقیران را به زندگی فراخ مبدل می سازد."

امروز در تهران و برخی شهرهای مرکزی ایران، سبزی پلو ماهی خوردن در شب نوروز و رشته پلو در روز نوروز رسم است، و شاید بتوان گفت که غذای خاص نوروز در این منطقه است. " پلو " در شهرهای مرکزی و کویری ایران ( می توان گفت غیر از گیلان و مازندران در همه شهرهای ایران ) تا چندی پیش غذای جشن ها ، غذای مهمانی و نشانه رفاه و ثروتمندی بود. و این "بهترین" غذا ، خوراک خاص همه مردم- فقیر و غنی- در شب نوروز بود. اگر نیک مردی در

صد و پنج سال پیش در استرک کاشان ، ملکی را وقف می کند که از درآمد آن " همه ساله برنج ایتیاع نموده از آخر خمرسه مسترفه به تمامی اهالی استرک، وضع و شریف، ذکور و اناث، صغیر و کبیر، بالسویه برسانند" بی گمان به این نیت بوده، که در شب نوروز سفره هیچ کس بی " پلو" نباشد.

### **دید و بازدید نوروزی، یا عید دیدنی**

از جمله آیین های نوروزی، دید و بازدید، یا "عید دیدنی" است. رسم است که روز نو، نخست به دیدن بزرگان فامیل ، طایفه و شخصیت های علمی و اجتماعی و منزلتی می روند. در بسیاری از این عید دیدنی ها، همه کسان خانواده شرکت دارند. " دیدن " های نوروزی که ناگزیر " بازدیدها " را دنبال دارد ، و همراه با دست بوسی و ربوبوسی است، در روزهای نخست فروردین، که تعطیل رسمی است، و گاه تا سیزده فروردین ( و می گویند تا آخر فروردین ) بین خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور و نزدیک، ادامه دارد و رفت و آمد گروهی خانواده ها، در کوی و محله- به ویژه در شهرهای کوچک- هنوز از میان نرفته است. این دید و بازدیدها ، تا پاسی از شب گذشته، به ویژه برای کسانی که نمی توانند کار روزانه را تعطیل کنند ادامه دارد.

کتاب تذکره صفویه کرمان که گزارش ساز رویدادهای سال های ۱۰۶۳ تا ۱۱۰۴ است، " شرح وقایع" هر سال را با این که محاسبه ماه و سال بر اساس تقویم قمری است، از برگزاری جشن ها، رسم ها و آیین های نوروزی، در دستگاه حکومتی آغاز می کند، از جمله: حاکم و وزیر و آصف حمیده سیر، در نوروز آن سال( ۱۰۸۰ قمری ) که مصادف با ۱۵ شوال بود، در باغ نظر به عیش و خرمی گذرانده، علما و صلحا و شعرا را به صلات گرانمایه خرسند گردانید( ... ) و دستار خواهان گسترده، اقسام طعام نزد خاص و عام کشید. روز دیگر به دیدن اعزه ولایت رفته ، دو سه روز هم چنین دیدن مردم می نمودند، و بعد از آن هر روزه به ازای ضیافت نوروزی ، هنگامه تیراندازی گرم بود. تماشای "جنگ گاو قوچ " نیز در این دوره از آیین های نوروزی بود: روز نو سال ۱۱۰۱ که در ۷ جمادی الثانی واقع بود، طرف عصر وزیر به اتفاق ( ... ) در صحرای مویدی ( در قسمت شمال شهر فعلی کرمان ) جنگ گاو و قوچ طرح انداخته، بعد از آن اسب دوانی کرده، از حضور دوستان جنائی خرمی، و به مقتضای وقت کامرانی می نمودند.

### **هدیه نوروزی، یا عیدی**

هدیه و عیدی دادن به مناسبت نوروز رسمی کهن است، کتابهای تاریخی از پیشکش ها و بخشش های نوروزی- پیش از اسلام و بعد از اسلام- خبر می دهند، از رعیت به پادشاهان و حکمرانان ، از پادشاهان و حکمرانان به وزیران، دبیران، کارگزاران و شاعران، از بزرگترین خاندان به کوچکترین، به ویژه کودکان.

رسم هدیه دادن نوروزی را، ابوریحان بیرونی از گفته آذریاد، موید بغداد چنین آورده است: نیشکر در ایران ، روز نو یافت شد، پیش از آن کسی آن را نمی شناخت. جمشید روزی نی ای دید که از آن کمی به بیرون تراوش کرده ، چون دید شیرین است، امر کرد این نی را بیرون آورند و از آن شکر ساختند. و مردم از راه تبریک به یکدیگر شکر هدیه کردند، و در مهرگان نیز تکرار کردند، و هدیه دادن رسم شد.

ابوریحان بیرونی می نویسد: پادشاهان ساسانی آنچه را پنج روز عید ( به ترتیب، اعیان، دهقانان، سپاهیان، خاصان و خادمان ) هدیه آورده بودند، روز ششم امر به احضار می کرد و هرچه قابل خزانه بود نگه می داشت، و آنچه می خواست به اهل انس و اشخاصی که سزاوار خلوتند می بخشید.

کمپر، سیاح دوره صفوی، از هدیه های حاکمان و ثروتمندان محلی، که برای شاه سلیمان می آوردند، به عنوان " سومین رقم بودجه دربار" یاد می کند. تاورنیه هدیه یکی از حاکمان را به پادشاه " ده هزار اشرفی" ذکر کرده ، و شاردن هدیه های به پادشاه را حدود ۲ میلیون فرانک تخمین می زند. " درویل" می نویسد: این هدیه های نوروزی علاوه بر طلا، جواهر و سکه های زر، عبارت از اسب های اصیل، جنگ افزار، پارچه های گرانبها و شال های کشمیر و پوست های ممتاز و قند و قهوه و چای و مربا است.

رسم و ضابطه پیشکش های سنگین بها به پادشاهان و حاکمان تا دوره مشروطیت رایج بود. برقراری مالیات ها و الزام به پرداخت های منظم و حساب شده، پیشکش های باج و خراج گونه را به مقدار زیادی از اعتبار انداخت. ولی دادن عیدی و هدیه به ویژه از طرف مقام بالاتر (منزلی، اقتصادی و سنی) از رسم ها و آیین های دیرین فرهنگ ماست. امروز رسم عیدی دادن به جوانان و کودکان در خانواده، به کسان کم درآمد و خدمتگزاران در محیط کار، به رفنگر، به نامه رسان و... در عین حال نوعی جبران زحمت و انتظار خدمت است. عیدی های امروزی بیشتر به صورت نقد و اسکناس نو است. پیشکش های نوروزی در جامعه های کشاورزی، روستایی و عشایری، در گذشته ای نه چندان، پیشکش های نوروزی فراورده های محلی بود و بخشش ها، کالا و فراورده های محلی.

### نوروز در کرمانشاه

نزدیکی بسیاری بین مراسم ها و رسومات کرمانشاه و کردستان دیده می شود. مردمان شهر به جشنهای باستانی ایران اهمیت خاصی می دهند. نوروز، چهارشنبه سوری- سیزده بدر و... برای مردمان دارای اهمیت بسیاری است. ایل جوانمرد- اورامان لهون مراسمشان با مردم کردستان تقریباً یکی است. ایل گوران برای عید "خاونکار" احترام زیادی قائل هستند. عید "خاونکار" در اثر اختلافات خانوادگی سلطان اسحق که ۱۲ ساله بود به اتفاق بنی آئین داوود و پیر موسی با برادرش قادر شاه نزاع کرده و آنها مجبور می شوند او را تعقیب نموده و پس از سه روز درگیری سلطان فاتح می شود و در گردنه شوشی استراحت می کنند. پیرزنی که ناظر این درگیری سه روزه بوده است، برای آنان یک من برنج و یک خروس می آورد. این سه روز درگیری با ایل گوران را روزه می گیرند و شب چهارم عیدشان محسوب می شود.

همچنین نوروز را بسیاری در کرمانشاه به جشن جمشیدی خطاب می کنند. در منطقه گوران اسلام شهر یا شاه آباد غرب مردمان به باورهای علی الهی اعتقاد دارند و نوروز را در کنار مراسم های مذهبی شان بسیار محترم می شمارند.



رقص و پایکوبی بخشی جدا نشدنی از مراسم های جشن این منطقه است. مراسم قاشق زنی و بوته جمع کردن و شال گره زنی یا شال اندازی و... مراسم های همیشگی است. در ایل سنجابی در روزهای نوروز در پشت بامهای خود به احترام زرتشت و آئین ایران باستان آتش های بسیاری را روشن می کنند و باور دارند آتش مایه پاکی و برکت و نور خداوند است.



در ایل هل کیش بان شال اندازی تا نیمه های شب ادامه دارد. افراد خانواده آن شب پلو می خورند و برای روز دیگر نگه داری می کنند. این کار برای این است که سال جدیدی برایشان پربرکت باشد. سفره نوروزی را باشکوه بسیار در

کنار نان برنجی - ماست- گندم و تخم مرغ مهیا می کنند. اهالی خانه با لباسهای نو در خانه هستند و باور دارند فره وشی (روان نیاکانشان) در نوروز شاهد رفتار و نوع پوشش آنهاست.

مردان شهر با شلیک گلوله در ساعت تحویل سال شادمانی خود را از آغاز سال جدید ابراز می دارند. پس از تحویل سال مردم برای دیدن یکدیگر به خانه همدیگر می روند. خانه سید شهر معمولا در اولویت است. همان شب پولی به نام ته کیسه به عنوان نماد برکت از بزرگان می گیرند.

پس از خانه سید به خانه کسانی میروند که عزادار بوده اند و جهت ادای احترام به آنان به خانه آنها می روند و در نهایت بزرگان و بستگانشان.

معمولا تخم مرغهایی را برای عیدی به افراد خانواده های یکدیگر می دهند . گروهی از مردم دو روز پس از نوروز باستانی به منطقه بابا یادگار در ۴۸ کیلومتری شمال شرقی کرد غرب می روند. مراسمی سنتی و باستانی را در بابا یادگار اجرا می کنند که همراه با نواختن ساز تنبور است. شعرهایی مذهبی یا ملی در کنار آن خوانده می شود. پیر آنجا مراسم را با سازهای تنبور و باریط و سه تار و تار همراهی می کنند و سرود می خوانند.

در ایل کلهر مردم به نوروز و سیزده بدر احترام می گذارند. آتش افروزی که نشان ملی ایرانیان است یکی از بخشهای این مراسم است.

## منابع

Translate.googleusercontent.com/translat-c

www.kermanshahsalam.ir